

## شرکت و معاونت در جرائم

نگفته نماید که تشکیل شرکت مجرمین برای ارتکاب اعمال خلافی در هیچ قانون حرم محسوب نمیشود و حتی بعضی از قوانین که آنها قابل مجازات می دانستند از چندی باین طرف نسخ شده اند.

در قانون مجازات ایران ماده صریحی در این باب نداریم ولی از ماده ۱۶۸ این معنی استنباط میشود. ماده مزبور علاوه بر جرائم بر ضد اشخاص یا اموال شامل جرائم سیاسی هم میباشد. انصافاً نمیتوان گفت که این ماده ناظر بر شرکت مجرمین است که در فوق مذکور شد زیرا که از دقت در جملات آن چنین بنظر میرسد که شامل موردی است که دو یا چند نفر برای ارتکاب يك جنحه یا يك جنایت اجتماع و مواضع کرده باشند در حالیکه طبقه مطالب گذشته در «شرکت مجرمین» مقصود ارتکاب يك جرم نیست بلکه تشکیل آن برای آن است که بعداً در مواقع لازمه جرائمی که ارتکاب آنها بصرفه و صلاح نزدیکتر باشد انجام دهند. بهر حال ماده مذکور بنا بر آنکه اجتماع برای ارتکاب جنحه و جنایت عمومی یا بر ضد امنیت داخلی و یا خارجی کشور (جرائم سیاسی) باشد بترتیب مجازات مرتکبین را شدیدتر می کند.

در قرون جدید و معاصر دسته از مفسدین بعنوان آنارشیت ظهور کرده اند ولی این هیئت را نمیتوان مثل يك شرکت مجرمین بطریق مذکور در فوق محسوب داشت زیرا که این طایفه شرکت تأسیس نکرده و نقشه هم برای عملیات خود تعیین ننموده اند و رئیس بین آنها وجود ندارد و راجع بطرز رفتار و وظایف اعضاء مقررات و نظاماتی بین آنها وضع نشده است.

اکلیه اعضاء هیئت آنارشیت بدو طبقه تقسیم می شوند يك طبقه مشغول انتشار دادن عقاید بادل بوده و به واسطه نطق در مجامع عمومی و غیره افکار مردم را منقلب می کنند و طبقه دیگر آراء و عقاید طبقه اول را بموقع

اجرا میگذارند تا بوسائل مقتضی هر چه و مرجع را در کشور یا میان ملتی تولید کنند.

چنانکه قبلاً اشاره شد در میان این اشخاص شرکت یا موسسه ای وجود ندارد و تنها دارای عقیده واحد هستند و برای نیل بیک مقصود اصلی که عبارت از ایجاد اغتشاش و هرج و مرج در کشور یا میان ملتی باشد می کوشند.

۲ - مواضع برای ارتکاب جرائم سیاسی - ممکن است مقصود مجرمین از تشکیل شرکت عوض ارتکاب يك جنایت عمومی قیام بر علیه امنیت و آزادی و حکومت و سیاست داخلی یا خارجی باشد در این صورت نیز تمام قوانین بلااستثناء نفس تشکیل شرکت را ولو اینکه جرمی از شرکاء سرزده باشد بعنوان اینکه برضد آسایش عمومی است قابل مجازات می دانند.

در قانون مجازات عمومی ایران تعریفی از مواضع برای ارتکاب جرائم سیاسی نداریم فقط در بند ۳ و ۴ ماده ۱۶۸ قانون مزبور مواردی که اجتماع در آن قابل مجازات است ذکر شده و برای اینکه اجتماع کنندگان قابل مجازات باشند بطوریکه از مواد راجع به این موضوع در قوانین خارجه و قانون ایران فهمیده میشود باید مقصود آنها ارتکاب جرائم مصرحه در همان مواد بخصوص باشد.

فرق بین شرکت از قسم اول و شرکت در قسم دوم که تحت عنوان «مواضع» برای ارتکاب جرائم سیاسی ذکر شد این است که تشکیل دادن اولی از جرائم عمومی و دومی از جرائم سیاسی محسوب است و باین ملاحظه اغلب قوانین خارجه برای هر يك از این دو موضوع مواد جداگانه ای دارند و مانند قانون ایران هر دو تحت يك ماده ذکر نشده است.

۳ - قطاع الظرف - در این نوع از شرکت مجرمین باهم اتحاد میکنند که بطور مسلح یا غیر مسلح در طرق و شوارع

شرکت منحل میگردد. برطبق تمام قوانین جزائی عالم نفس این اتحاد مادامی که جرمی از آن ناشی نشده قابل مجازات نیست.

راجع باین قبیل اجتماعات در قوانین جزائی دو قسم تصمیم اتخاذ شده است:

از طرفی در بعضی موارد اجتماع مجرمین را از عناصر بخصوص یا سبب تشدید مجازات قرار میدهند از طرفی هم در بعضی موارد دیگر مداخله کنندگان در جرم بدو قسمت تقسیم میکنند و آنها عبارتند از:

شرکاء.

معاونین.

این دو حالت را ذیلاً مذاقه قرار میدهم.

۱- مداخله چند نفر از عناصر جرم یا از کیفیات

مشده محسوب است.

از آنجائیکه اجتماع چند نفر برای ارتکاب جرم خود فی حد ذاته تولید خطرات بیشتری می کند که جلوگیری از آن از مهمترین وظایف قانونگذاری است مقننین لازم دانسته اند گاهی مداخله چندین نفر در جرم واحد را از عناصر جرم محسوب دارند و در حقیقت عملی بخصوص را که مرتکبین آن متقدم میباشد جرم خاص میدانند. نظایر این تصمیم در قوانین خارجه و قانون ایران دیده میشود از قبیل ماده ۱۶۸ قانون مجازات عمومی که در آن تعدد مجرمین از عناصر جرم مذکور در آن ماده میباشد.

گاهی هم قانونگذار بدلیلی که مذکور افتاد تعدد مرتکبین را سبب تشدید مجازات میدانند مثل مورد تعدد و سارقین که در مواد ۲۲۲ و ۲۲۵ و ۲۲۶ قانون مجازات عمومی ایران مندرج است گرچه ظاهراً میتوان گفت در ماده ۲۲۲ مثلاً تعدد سارقین از عناصر جرم تشخیص داده شده نه از کیفیات مشده ولی این اظهار صحیح نخواهد بود زیرا که:

اولاً مجازات سرقت ساده موافق ماده ۲۲۷ از ۲

ماه تا دو سال حبس تادیبی است در حالی که ماده ۲۲۲ حبس دائم با اعمال شاقه تعیین کرده بعبارت اخری مجازات سرقت بواسطه تعدد سارقین تشدید شده است

مرتکب سرقت شده و یا املاک و اموال مردم و یا نفوس آنها را مورد حمله قرار دهند و یا همه بر علیه قوای دولتی و مامورینی که موظف بجلوگیری از این قبیل جنایاتند اقدام کرده و با آنها مقاومت کنند اما در اینجا بر عکس « شرکت مجرمین » تشکیلات مرتب و منظمی وجود ندارد و اگر راهزنان سردسته برای خود تعیین کنند بنام ریاست نیست بلکه غالباً و اشخاصی را که در ارتکاب جنایات مذکوره مهارت و استعداد دارند برای راهنمایی رئیس خود قرار میدهند و همچنین اسامنامه که حدود وظایف هر یک از اعضاء را تعیین کنند در میان راهزنان دیده نمی شود.

در قوانین خارجه مثل دو شق اول نفس تشکیل

این اجتماع قابل مجازات شناخته میشود و قانون مجازات ایران در ماده ۷۵ سابق این جرم را پیش بینی کرده بود ولی در ۱۵ خرداد ۱۳۱۰ ماده مزبور ماده ۲۲۴ قانون مجازات عمومی نسخ و بجای آن قانونی بنام « قانون راجع بمجازات قطاع الطریق » در تحت دو ماده تصویب و از همان تاریخ تصویب قابل اجرا بود - برطبق این قانون محاکمه قطاع الطریق در صلاحیت دیوان حرب است در مواد ۷۶ و بعد قانونگذار مواردی را که سبب معافیت مرتکب یا مرتکبین است پیش بینی میکند.

## مبحث دوم

### اتحاد برای جرائم معین

مقصود از مطالب فصل اول اشاره بمجامع مجرمینی بود که اعضاء آن قبلاً با یکدیگر اتحاد بسته و شرکت دائمی یا شرکتی که لا اقل مدتی برای بقاء آن تعیین شده تشکیل داده باشند و بطوری که شرح داده شد در این شرکتها با وجود اتحاد قبلی ارتکاب یک جرم مخصوص در نظر گرفته نشده است. حال باید تذکر داد که در مقابل اتحادهای مذکور نوع دومی از مجامع مجرمین وجود دارد که اعضاء آن برای ارتکاب یک جرم بخصوص اتحاد می بندند. و پس از اجراء مقصود اتحاد از بین رفته و

ثانیاً بر حسب تعریف فلسفه جزائی وقتی امری را میتوان عنصر جرم محسوب داشت که اگر بضر آن امر از بین برود یا اصلاً جرم از بین میرود و یا لا اقل جرم بخصوص بجرم دیگر تبدیل میشود در مسئله مورد بحث اگر تمدد سارقین از بین رفته و یکفرتنها مرتکب سرقت بشود بالاخره سرقت بودن عمل از بین نخواهد رفت .

۲- طرق مداخله در جرائم معین - کسانی که بطور اجتماع مرتکب جرمی میشوند ممکن است بدو طریق در آن مداخله کنند :

عده ای از آنها بطور مستقیم و بلاواسطه اعمال مادی را که از عناصر تشکیل دهنده جرم است بیجا می آورند ، عده دیگر بطور غیر مستقیم و وقوع جرم دخالت می کنند بدین معنی که گاهی بجرم کمک فکری می نمایند . گاهی آلات و ادوات لازم برای ارتکاب جرم را فراهم میسازند .

بالاخره پاره اوقات اشیاء حاصل از جرم یا خود مجرم را مخفی کرده و بدین ترتیب مانع کشف حقیقت و اجراء مجازات دربار مجرم میشوند .

نوع اول از دخالت کنندگان را در اصطلاح قانون جزا شرکاء یا فاعلین اصلی و نوع دوم را معاونین مجرم می نمایند . بنا بر این شرکاء کسانی هستند که شخصاً و بطور مستقیم مرتکب اعمال خلاف قانون شده اند و مجازات مقرون قانونی در باره آنها با ملاحظه شرایط مسئولیت هریک تعیین میشود برعکس معاونین کسانی را گویند که بطور غیر مستقیم و بواسطه اعمالی که از عناصر تشکیل دهنده جرم محسوب نمیشود در آن دخالت می کنند .

اما نگفته نماند که دامنه معاونت عرفی و اخلاقی بمراتب وسیعتر از دامنه معاونت قانونی است و اگر قانون گذار بطور اطلاق معاونت را قابل مجازات بداند بدون اینکه آنرا تعریف کند یا الاقل حدودش را معین نماید این ترتیب ترتیب خائفانه خواهد بود زیرا در این صورت تشخیص

معاونت در عداد مسائل نظری قرار گرفته و هزارها مردم بجرم معاونت محکوم خواهند گردید و شکی نیست که چنین رویه برخلاف آسایش و امنیت عمومی است پس مقنن باید معاونت را تعریف یا الاقل حدود آنرا با صراحت معین کند تا در عمل اشکالی تولید نشود

در باب طرق مختلفه مداخله در جرائم علاوه بر مسئله تفکیک بین معاونین و شرکاء دو مطالب ذیل قابل توجه است

اولاً - باید درجات مجرمیت هریک از معاون و شریک نمایند

ثانیاً - باید تحقیق شود که آیا نفس مداخله چندین نفر در جرم واحد از کیفیات مشدده محسوب می شود یاخیر .

مسئله تفکیک بین معاونین و شرکاء و همچنین تعیین میزان مجرمیت آنها از قدیم توجه علما و متخصصین حقوق جزائی را جلب کرده اما اینکه آیا تعدد دخالت کنندگان از کیفیات مشدده میباشد یا نه در قرون اخیر که علمای علم اقتصاد تقسیم کار را بزرگترین عامل مفید بودن زحمات انسانی میدانند اهمیت شایانی بخود گرفته است در مورد معاونت مطالب ذیل را باید مورد بحث قرار داد :

۱- بیان اعمالی که بسان قانون جزا معاونت محسوب می شود .

۲- شرایطی که برای قابل مجازات بودن معاون لازم است

۳- مجازاتی که قوانین برای معاونین مقرر میدارند

### اعمالیکه معاونت محسوب میشود

بعضی از قوانین جزائی دو قسم مداخله در جرائم تشخیص داده اند

اولاً دخالت مستقیم در اعمالی که از صفات اصلی و از عناصر تشکیل دهنده جرم میباشد و قانون آنها را صریحاً معین میکند .

ثانیاً دخالت غیر مستقیم و تبیی یا ضمنی که قبل از

وقوع اصل جرم و یا در حال وقوع و یا بعد از آن باشد.

مرتکبین اعمال از قسم اول را فاعلین اصلی و یا عبارت صحیح تر شرکاء جرم و مرتکبین اعمال از قسم دوم را معاونین مجرم میگویند و برطبق این بیان فاعلین اصلی کسانی هستند که فقط با مباشرت آنها اصل عمل انجام یافته برعکس معاونین آنها می هستند که در جرم بوسیله اعمالی که بانها اجرای نفس جرم اطلاق نمیشود دخالت می کنند مشروط بر اینکه آن مقدار از اعمال را قانون قابل مجازات دانسته باشد.

تحریر و اغوا بارتکاب جرم در بعضی قوانین تحت عنوان خاصی ذکر شده و قسم سوم از اقسام مداخله در جرائم محسوب میشود و بعضی دیگر آنها را معاونت محسوب می دانند.

### اقسام معاونت از حیث زمان

اصولاً معاونت در وقوع جرم ممکن است در سه زمان بعمل آید :

۱ - معاونت قبل از اجرای عمل - در اینجا شخص معاون بوسائل مختلفه از قبیل : امر - تهدید - تحریک - دادن دستورات و غیره اراده فاعل اصلی را برای ارتکاب جرم آماده میسازد .

۲ - معاونت در حین اجرای عمل یا معاونت مقارن - در این حالت هنگامی که فاعل اصلی مرتکب خود جرم می شود معاون بوسیله اعمال و ادوات از او دستگیری می کند .

۳ - معاونت بعد از انجام عمل تنها حالتی که برای این قسم از معاونت میتوان ذکر کرد تادت از اخفاء اموال حاصل از جرم و اخفاء مجرمین است که بعضی قوانین آنها در حد او معاونت محسوب میدارند و بعضی دیگر چنانکه بعداً بطور تفصیل شرح داده خواهد شد جرم مستقلی میدانند .

طرق مختلفی که در باب میزان مسئولیت مجرم و

شرکاء و معاونین در انظار شده است .

راجع بتأثیر اجتماع چند نفر در جرم واحد در میزان مجازات مجرمین و همچنین در باب تعیین مسئولیت هر يك در شريك و معاون میان علماء مباحث زیادی شده و مخصوصاً در این اواخر اهمیت مسئله جاب توجه عمده کرده و اختلافات زیادی تولید شده است . عمده اختلاف در این است که آیا باید قوانین برای هر يك از معاون و مجرم اصلی ( شريك ) مجازات مخصوص تعیین کنند یا همه آنها را بعلت دخالت در جرم واحد تحت يك عنوان قابل مجازات دانسته و مجازات واحد برای آنها مقرر دارند . در این خصوص چهار طریقه ذکر شده که ذیلاً شرح داده میشود .

### اول طریقه کلاسیک

در این طریقه فاعلین اصلی ( شرکاء ) را بمجازات کامل جرم ( مجازاتی که در هر ماده برای هر جرمی تعیین شده ) محکوم کرده و در باره معاونین همان مجازات را تخفیف میدهند . کسانی را که دخالت در جرم کرده اند بدون قسمت تقسیم مینمایند که عبارتند از :

الف - آنهائی که علت اولیه یا علت مولده یا علت حقیقی جرم میباشند .  
ب - آنهائی که بمجرم مساعدت کرده و بدون انجام عملی که از عناصر جرم باشد سبب تسهیل وقوع آن گردیده اند

دسته اول را فاعلین اصلی یا شرکاء .

دسته دوم را معاونین مینامند .

طرفداران این طریقه برای تشخیص فاعلین اصلی یا شرکاء از دیگر دخالت کنندگان (معاونین) دو قاعده ذیل را بیان میکنند .

۱ - فاعل اصلی یا شريك ممکن است مادی یا معنوی باشد فاعل مادی گمی است بطور محسوس و ظاهری اعمالی را که از عناصر تشکیل دهند جرم است انجام میدهد بنحویکه از نقطه نظر فیزیکی میتوان او را علت تولید کننده و واقعی جرم دانست مثلاً شخصی که در موقع قتل بوسیله

آلت قتاله مجنی علیه را مقتول میسازد و یا در موقع جرح و ضرب مصدوم را مجروح یا مضرور میکند و یا در جرم حریق آتش میزند و یا کسی که در جرم سرقت اموال را می رباید همه این اشخاص فاعل اصلی و اگر چند نفر باشند شرکاء خوانده می شوند. در مقابل فاعلین مادی فاعلین معنوی نیز وجود دارد و آنها کسانی هستند که بدون اینکه بطور فیزیکی شملیرا که از عناصر تشکیل دهنده ظاهری و مادی جرم محسوب است انجام داده باشند اعمالی را مرتکب میشوند که بدون آنها جرم واقع نمیشد و این اعمال علت معنوی جرم می باشد مثل کسی که بدون مباشرت بنفس عمل خلاف قانون آنرا بوسیله شخص دیگری که در اراده او نفوذ کاملی داشته بجا آورده است. خلاصه فاعل معنوی کسی را باید گفت که افکار شخص دیگری را برای ارتکاب جرم آماده میکند. فاعلین معنوی را در اصطلاح حقوق جزا اغوا کننده گویند و مصادرین آیینیات از اشخاصی است که بوسیله دادن و کالت یا آمری که در روحيات مجرم مؤثر باشد یا قول یا وعده یا تهدید یا سوء استفاده از مقام و قدرت علت ایجاد تصمیم جزائی در مخیله مرتکب مادی شده اند.

۲- بر طبق طریقه کلاسیک معاونین کسانی را گویند که در ازمنه مختلفه یعنی قبل یا بعد یا در حین اجرای عمل بماعل کمک میکنند و معاونین قبل از جرم آنهاست هستند که بدون اینکه سبب اولیه تبییج و تحریک اراده فاعل باشند اعمالی را بجا میآورند که فاعل اصلی مباشر با در نظر گرفتن آنها دارای جرات و حسارت شده و خود را برای ارتکاب عمل آماده میسازد. مثلا پس از پیدا شدن قضیه ارتکاب در مخیله فاعل یک نفر اعمالی بجا میآورد که سبب تسهیل اجرای جرم میشود از قبیل اشخاصیکه مقاتل یا سارق مسلح اسلحه و آلات لازمه تهیه میکنند یا محل مناسبی برای مجرم تعیین مینمایند که ارتکاب جرم و نیل بقصد در آنجا بسهولت امکان پذیر باشد. معاونین در حین اجرای عمل آنانی را گویند که بدون انجام یکی از عناصر جرم بوسیله غیر از وسائل مذکور در فوق سبب تسهیل وقوع آن میشوند مثل کسی که فردیان را نگه میدارد و سارق

از آن بالا میروند یا در موقعیکه سارق مشغول سرقت است در حوالی محل ارتکاب کشیک میدهد که کسی ملتفت اعمال او نشود بالاخره فاعل اصلی ممکن است معاونی داشته باشد که بعد از ارتکاب جرم او را مخفی کند یا فرار دهد یا سائلی فراهم آورد که مامورین صلاحیت دار موفق بکشف قضیه یا دستگیری مجرم نشوند از قبیل کسانی که مجرم را مخفی می کنند یا جسد مقتول را از بین می برند یا مرتکب اخفاء اموال حاصل از سرقت میشوند ولی از این شق در معارف اخیر شرط است که قبلا بین معاون مخفی کننده و فاعل اصلی اتحدادی وجود نداشته باشد بسیاری از قوانین خارجه معاونت بعد از اجرای عمل را درغداد معاونتهای قانونی محسوب نداشته و آنرا جرم مستقل میدانند قانون ایران هم در ماده ۱۲۴ اخفاء آلات جرم و مجرمین و فرار دادن آنها و در ماده ۲۳۰ اخفاء اموال حاصله از سرقت را جرم مستقل دانسته است

رویه قوانینی که اخفاء اشخاص یا اموال را جرم مستقل می دانند بصحت نزدیکتر است زیرا چنانکه سدا مذکور خواهد شد برای صادق بودن عنوان معاونت باید عمل قابل مجازات وجود داشته و معاون هم در انجام آن معاونت کند. ولی در مورد اخفاء اشخاص یا اموال هر تعلق سلیم تصدیق خواهد کرد که ارتکاب نفس جرم خاتمه پیدا کرده و برای عملی که تمام شده و فعلا وجود ندارد چگونه میتوان تصور معاونت کرد.

مقننهای مراتب چون معاف داشتن مخفی کننده اشخاص یا اموال از مجازات خارج از حدود عدالت میباشد باید او را به مجازاتی که قانون بطور استقلال مقرر میدارد محکوم ساخت و روی همین نظریه بعضی از قوانین که ابتداء اخفاء را معاونت میدانستند از چندی باینطرف آنرا از عداد معاونت خارج نموده مخصوصی می شمارند مثلا در فرانسه قانون مصوب ۲۲ مه ۱۹۱۵ موادیرا که اخفاء را معاونت محسوب می داشتند نسخ و آنرا جرم مستقل تشخیص داده اند برای توحیه اینکه فاعل اصلی (شریک) باید به مجازات کامل جرم محکوم شود و دو باره معاون تخفیف منظور گردد طرفداران طریقه کلاسیک چنین اظهار می دارند

غ. هریفی